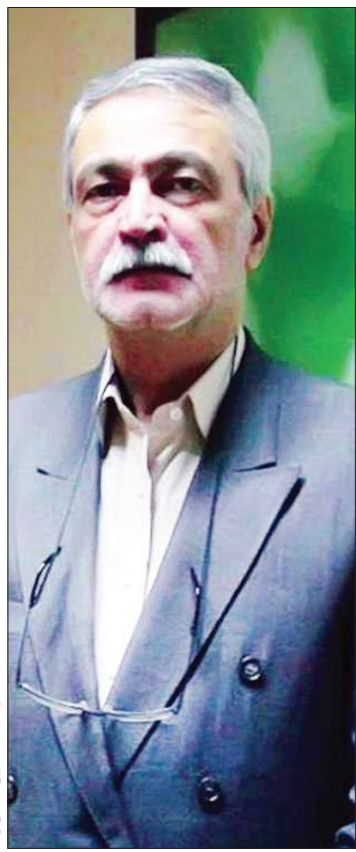


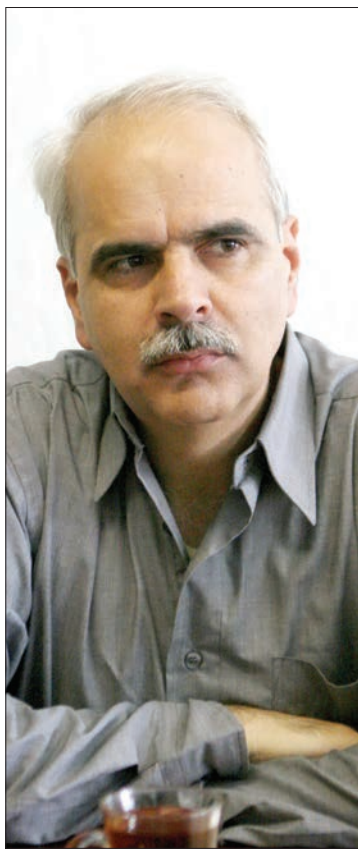
### گزارش نشست رونمایی از کتاب وضعیت توسعه انسانی در ایران

# جامعه ایران: آسیب‌پذیری بالا، تاب‌آوری پایین

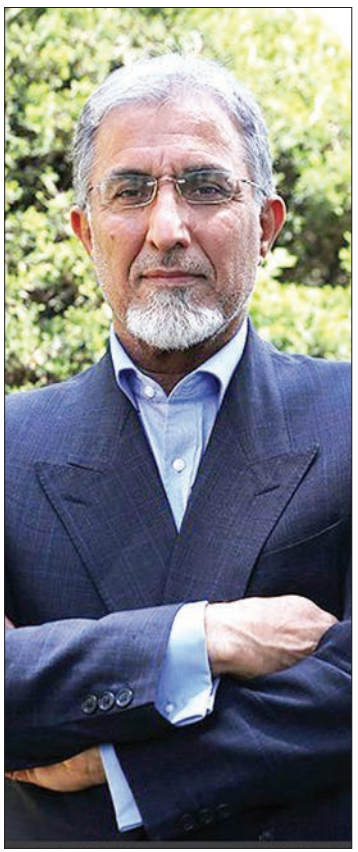
سعید مدنی: تعهد همگانی، ایجاد نهادهای پاسخگو و پیشگیری، سه راهکار برای وضع توسعه انسانی در ایران  
قانع‌راد: طبیعت در ۲۰ سال گذشته چهره متلاطم‌تری از خود نشان داده که ناشی از صنعتی‌گرایی است



محمد امین قانع‌راد



سعید مدنی



حسین رفیعی



حسین رفیعی

گروه گزارش | سعید مدنی می‌گوید خوشحالم که در این جمع هستم؛ به‌خصوص که سال‌هاست با جمع بزرگی صحبت نکرده‌ام و اگر لکنتی دارم، مرا ببخشید. سعی کردم تصویری از وضع اجتماعی ایران به مفهوم عام آن بدهم.

نشست در سالن اجتماعات شهر کتاب بخارست برگزار شده، برای کتاب وضع توسعه انسانی در ایران که با دو عنوان آسیب‌پذیری و تاب‌آوری و بر مبنای گزارش توسعه انسانی سازمان ملل تدوین شده است. در این جلسه غیر از سعید مدنی (نویسنده کتاب) حسین رفیعی، محمدامین قانع‌راد و علی دینی‌ترکمانی نیز حضور دارند و درباره وضع شاخص‌های توسعه انسانی در ایران سخن می‌گویند.

گزارش توسعه انسانی که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد از این نظر اهمیت بیشتری داشت که یک جمع پند ۱۵ ساله بود و مدنی در این کتاب تلاش کرده متناسب با این گزارش جهانی، گزارشی هم از وضع ایران در همان قالب ارائه کند. متن اولیه‌ای که از این کتاب تهیه شد، به دست تعدادی از اساتید رشته‌های مختلف رسید و آنها به خواست مدنی نظرانشان را ارائه دادند؛ اساتیدی مثل حسین رفیعی، علی دینی‌ترکمانی و محمدامین قانع‌راد که از سخنرانان جلسه هستند و اساتید دیگری که مدنی نامشان را می‌آورد: زاله شادابی‌طلب، وامق، فاطمه صادقی، رئیس‌دانا، حسن رفیعی و محمد قربانی. «این کتاب حاصل کار و زحمت جمعی است و این اساتید آن را از زاویه‌ها و رشته‌های مختلف بازبینی کرده‌اند.»

کشورهایی در حال توسعه و توسعه‌نیافته آریه کنند و این گزارش‌ها واکنش به انومی اقتصادی و اجتماعی است؛ «باز شدن درهای اقتصادی کشورها به روی تولیدات محصولات کشورهای صنعتی در کشور ما بعد از جنگ شروع شد. تغییر جدی در رویکرد در مسائل اقتصادی و اجتماعی به وجود آمد و دولت همه حوزه‌های حیات اجتماعی و اقتصادی را به بازار واگذار کرد و نتایجش آن چیزی است که امروز با آن مواجهیم که محصول چیزی است که امروز با آن مواجهیم که محصول رهاسازی اقتصادی به طمع و از گروه‌های درون قدرت است که سلطه سرمایه‌های تجاری و مالی در کشور موجب شد تولید فعالیتی پرسرک و پر هزینه شود و فعالیت‌های رباخواری و نامولد مثل فعالیت‌های پولی و مالی بیشترین سود را داشته باشد و رکود امروز نتیجه این وضع است. رشد تورم در فعالیت‌های بانکی از سال ۶۸ تا ۹۱، ۲۰ درصد است و در بخش صنعت ۶ هزار درصد بود. در نتیجه آنها که منابع‌شان را در سوداگری و تجارت زمین و رباخواری مصرف کردند، سودشان سه و نیم برابر کسانی بود که در فعالیت‌های تولیدی هزینه کردند؛ به این ترتیب جامعه را زیاده‌های تولید در کشور سوزانده شد.»

بخش بزرگی از آن به‌خصوص جوان‌های بیکار باشند، همواره در معرض آسیب‌های روحی است که خود منشأ اضطراب‌های متعدد است. آمارها نشان می‌دهند روزی ۱۱ نفر در ایران خودکشی می‌کنند و روزی ۵ نفر در تهران به قتل می‌رسند. این شاخص‌ها محصول نظام اجتماعی و اقتصادی است که از آن به‌عنوان دسترسی محدود اسم برده می‌شود و عموم مردم در آن از فرصت‌های رشد باز می‌مانند. دسترسی برای گروه‌های خاصی در درون قدرت فراهم می‌شود و محصول چنین نظامی نظم مبتنی بر خشونت است. آن گروهی که مسئول هستند هیچ جایی سخن از سهم‌شان در بحران‌ها وجود ندارد و دولت به تنهایی متهم می‌شود. هر چند سهم خودش را در بحران‌ها ایفا می‌کند.

او می‌گوید عزم سیاسی باید ناشی از آگاهی باشد. خیلی‌ها این‌ها درک را ندارند که ما در چه شرایط عمیق بحرانی هستیم. تا زمانی که درک مشکلات راه‌حل متناسبی نمی‌توان برایش تعبیه کرد. او در انتها عذرخواهی می‌کند که در جلسه قدرانی از تلاش‌های مدنی حرف‌های خوشایندی نزده، می‌کند؛ به این منظور از دولت کل ساختار حاکمیت است: «پس از جنگ شاهد حضور علما و نظامی‌ها در اقتصاد بودیم که این مسئله خودش سازوکار دامن‌زنی به نابرابری و ریشه‌کنی تولید و رشد فساد را فراهم کرد. هیچ چشم‌اندازی هم برای مقابله و مواجهه با این مسئله نیست؛ زیرا مافیاهای متعددی درون سازوکارهای اقتصادی شکل گرفته که بسیار پر قدرت‌اند و فعالیت‌هایشان هم پنهان است. هیچ‌جا گزارش رسمی از این که منابع ملی ما کجا توزیع می‌شود و به کجا تخصیص داده می‌شود، نیست. تخصیص منابع خودش بخشی از نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی است که مسئول نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است. مادامی که این روندها اصلاح نشوند، جامعه هر روز آسیب‌پذیرتر می‌شود و اصلی‌ترین منشأ آسیب‌پذیری جامعه ما نابرابری است که سیاست‌های عمومی باعث آن شده‌اند؛ یعنی کسانی که تصمیم می‌گیرند منابع ما کجا برود، نرخ بهره و نرخ ارز چه باشد.» او می‌گوید بخشی از تورم جامعه تورم ساختاری است که ناشی از اقتصادی است که تولید در آن جایگاهی ندارد و دلالتی واسطه‌گری و خرید و فروش ارز و مسکه به آن دامن می‌زند: «از سال ۱۳۷۸ که مصوبه خصوصی‌سازی بانک‌ها تصویب شد، بانک یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای گسترش فساد در کشور بود؛ پیش از انقلاب هم بوده است. جامعه ما در شرایط کنونی در معرض تکانه‌های داخلی و خارجی است. نابرابری‌ها منشأ اصلی فرسایش اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌شود. سرمایه اجتماعی هیچ‌گاه مثل امروز پایین نبوده و این فرسایش را برای نفوذ و رشد آسیب‌ها در داخل کشور فراهم کرده است.»

مثل آن تأثیر گذاشته است. در کتاب آمده که چین به خوبی از جهانی شدن استفاده کرده اما همان استفاده دلیل این همه بلایای طبیعی است. این‌جا جاهایی است که می‌شود به اقتصادگرایی نقد کرد و مسئولیت ما درباره کره زمین و منابع طبیعی چه؟ صنعتی شدن از طریق افزایش گازهای گلخانه‌ای و بالا آمدن سطح آب دریاها همه مسائلی است که منجر به این بلایای طبیعی می‌شود. «این‌ها اتفاقی نیستند؛ این‌ها نتیجه‌ای از تصمیم‌های ما است که در انتخاب محدود محلی هم آریه داد، اما خشونت و جنگ و تروریسم جهانی عمدتاً درون شرایط جهانی شدن قابل تحلیل است.» گزارش توسعه انسانی و دعوت به گسترش شاخص‌ها وضع عجیبی را در کشورهای مختلف ایجاد کرد. بین ۱۸۰ کشور یک کشور را رتبه می‌دهند و در بین شاخص‌ها شکاف‌هایی به وجود می‌آید؛ مثلاً بین شاخص‌های توسعه انسانی و شاخص‌های دولت ملتی. در این شرایط همان‌طور که در کتاب آمده در جامعه جنبشی ایجاد می‌شود که مطالبه تغییر دارد. چون آدم‌ها تحصیلات دارند و سلامتی است معتقد بود که در شرایط جهانی شدن دولت ملت دچار فرسایش می‌شود. آن واحدی که کشنگری می‌کند تک‌تک آنها هستند و باید فرجه انتخاب داشته باشند و هر جای جهان که خواستند بروند، سرمایه خود را عرضه کنند. جهانی شدن مجموعه‌ای از فرصت‌ها فراهم کرده اما آسیب‌پذیری کنونی و آنچه در کتاب تحت عنوان شوک‌ها نام برده شده، اینها به شرایط جهانی شدن پیوند خورده است.

آمار تپاسمن می‌گوید آزادی دو وجه دارد، آزادی فرآیندی که صندوق رأی است و آزادی فرصتی که حمایت‌هایی که محیط اجتماعی افراد در اختیار آنها می‌گذارد برای این که از فرصت‌ها استفاده کنند. اگر آن حمایت‌ها نباشد و فقط روی کاغذ همه آزاد باشند، می‌شود آزادی نابرابر به نفع اغنیا. ممکن است خیلی‌ها استعداد‌های خیلی خوبی داشته باشند، اما نتوانند سالی ۳۰-۴۰ هزار پوند بدهند و به دانشگاه آکسفورد بروند. پس یک فرصت مهم ناظر بر عدالت اجتماعی است و نه فقط برابری ثروت بلکه برابری جنسیتی و قومی و ادیان. تأکید بر تأمین حقوق شهروندی افراد از دل آن بیرون می‌آید. مبانی نظری او دیدگاهی را که صرفاً به آزادی فرآیندی توجه می‌کنند، نقد می‌کند و نقد جدی نسبت به توجه صرف به رشد اقتصادی دارد. بعد از جنگ تصورمان این بود که اگر رشدمان حداکثر در سندان چشم‌انداز اول درصد در سال بشود، مشکلات حل می‌شود اما گزارش نشان می‌دهد که این‌طور نیست.»

جرقه رویکرد قابلیت آمار تپاسمن بر مبنای مشاهده وضع مردم در ایالتی در هند و مقایسه آن با برزیل در ذهنش زده می‌شود. «این به این نتیجه رسید که در هند سرانه درآمد بالا نیست اما وضع شاخص توسعه انسانی بهتری دارد. مثل این که ایران را با کشوری مثل ایالات متحده مقایسه کنیم که سرانه درآمد آن بالا نیست اما شاخص‌هایش وضع بهتری دارد.»

غایت نهایی فرآیند توسعه انسانی این است که انسان از قلمرو جبرهای محیطی حاکم بر زندگی‌اش رها یابد. این را سنن براساس نظر مارکس می‌گوید «یعنی انسان توانمندتر شود و بتواند راحت اهداف مطلوبش را پیگیری کند. یک جزء آن درآمد است اما جزء دیگر هم امکاناتی است که دولت، «ان‌جی‌او»ها و محیط اجتماعی زندگی فرد می‌توانند در اختیارش بگذارد. همچنین در ساره نامنی غذایی باید توجه کرد که لزوماً نامنی غذایی و قطعی با کمبود منابع غذایی نیست بلکه به این دلیل سیستم توزیع ضعیف نابرابری بیش از اندازه به این تلفات رخ می‌دهد.»

نقد دینی‌ترکمانی به این کتاب این است که در بخش‌های آریه به بهترین مسئله نبرداخته است و آن مسأله‌ای است که اسمش را تودرتویی نهادی گذاشته است. او توضیح می‌دهد: «ما ساختار قدرتی شکل داده‌ایم که اجزای نظام تصمیم‌گیری‌اش خیلی بیش از اندازه است. ساختار قدرتی شکل داده‌ایم که اجزای نظام تصمیم‌گیری‌اش خیلی بیش از اندازه است. در نظر اقتصادی دولت ایران هم کوچک است هم بزرگ. کوچک از این نظر که دولت رفاهی نداریم و بخش آموزش و بهداشت و درمان و رفاه حتی نشتانه‌های مرکزی در ایران هم ندارند. اما بزرگی‌اش یعنی تعداد زیادی از دستگاه‌ها تعریف شده که ممکن است بزهدی انسانی از نظر توسعه انسانی نداشته باشند، ولی از بودجه سهم می‌برند. یعنی هزینه اجرایی هم و صرفی بودجه خیلی بیشتر از هزینه عمرانی و سرمایه‌گذاری است. بنابراین به دلیل این ساختار رونوی انعطاف‌ناپذیر و برابر تغییرات، فرآیند انباشت سرمایه چه فیزیکی و چه انسانی با کندی پیش می‌رود و ما با ابرچالش‌هایی مواجه شویم که چشم‌انداز آینده را نگران‌کننده می‌کند.» او همچنین می‌گوید بخش عمده مسکله ما مشکلات داخلی خودمان است و نباید بار توسعه را به گردن جهانی شدن بیندازیم. «مسأله دموکراتیک شدن باید سوره‌ها جنبش‌های اجتماعی قرار گیرد. ۲۰ سال قبل بانک جهانی الگوی سانسازی‌ها را نقد کرد و متخصصان داخلی هم گفتند نکنید، اما ادامه پیدا کرد تا وضع دریاچه ارومیه به این‌جا رسید. ما تجربه اکیاتان و آتی‌ساز را قبل از انقلاب داشتیم اما شهر را نابود کردیم.» او در پایان صحبت‌هایش می‌توضیح می‌دهد که چرا حرف‌های امیدوارکننده می‌گوید حالا که تولد شامولوست خوب است یادی کنیم از شعری که هم سخن از یأس سال‌های بعد از کودتا می‌گوید و هم درین‌حال رویش هزاران چشمه خورشید و جنگل‌های شاداب را نوید می‌دهد. مدنی در انتها به برخی سوالات پاسخ می‌دهد.

او می‌گوید یک نیروی بیرونی از فرد به نام دولت باید برای شکل دادن به یک محیط اجتماعی مطلوب برای زندگی افراد مداخله کند: «مثلاً ما الان درگیری جدی با اعتیاد داریم، در برخی محله‌ها به‌طور علنی مواد خرید و فروش می‌شود و باید پرسید چرا با وجودی که کلی بودجه صرف می‌شود که زندگی افراد کنترل شود اما یک عده راحت مواد می‌فروشند و می‌خرند و کسی کنترل نمی‌کند؟» او در این زمینه به بحث نیاز می‌پردازد: «آمار تپاسمن تعریف عقلانی بودن را که ریشه در مورد نیاز می‌شود به اجماعی رسید و متناسب با آن سیاست‌گذاری کرد و دولتی می‌تواند از پس رفع نیاز بریاید که ویژگی کارآمدی داشته باشد و در دل بحث توسعه انسانی مطرح می‌شود. ویژگی دیگر رویکرد توسعه انسانی این است که حالت کل‌گرا دارد. نمی‌شود آزادی، توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را از هم تفکیک

وضع‌راد: وضع ایران در شاخص‌های سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب، فساد و عدم شفافیت نامناسب است

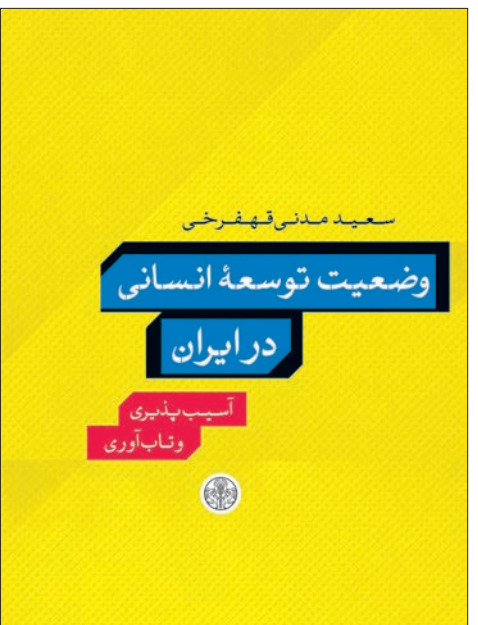
دینی‌ترکمانی: ۲۰ سال قبل بانک جهانی الگوی سانسازی ما را نقد کرد و متخصصان داخلی هم گفتند نکنید، اما ادامه پیدا کرد تا وضع دریاچه ارومیه به این‌جا رسید

رفیعی: توسعه انسانی در ایران با وجودی که کلی بودجه صرف می‌شود که زندگی افراد کنترل شود اما یک عده راحت مواد می‌فروشند و می‌خرند و کسی کنترل نمی‌کند؟

مدنی: توسعه انسانی در ایران با وجودی که کلی بودجه صرف می‌شود که زندگی افراد کنترل شود اما یک عده راحت مواد می‌فروشند و می‌خرند و کسی کنترل نمی‌کند؟

رفیعی: توسعه انسانی در ایران با وجودی که کلی بودجه صرف می‌شود که زندگی افراد کنترل شود اما یک عده راحت مواد می‌فروشند و می‌خرند و کسی کنترل نمی‌کند؟

مدنی: توسعه انسانی در ایران با وجودی که کلی بودجه صرف می‌شود که زندگی افراد کنترل شود اما یک عده راحت مواد می‌فروشند و می‌خرند و کسی کنترل نمی‌کند؟



وضعیت توسعه انسانی در ایران

وضعیت توسعه انسانی در ایران

وضعیت توسعه انسانی در ایران

وضعیت توسعه انسانی در ایران

وضعیت توسعه انسانی در ایران

وضعیت توسعه انسانی در ایران

وضعیت توسعه انسانی در ایران

وضعیت توسعه انسانی در ایران